



گزارش ایگل هرک به سازمان ملل متحد

تسلیم به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد
در موضوع رسیدگی به دومین گزارش دوره‌ای جمهوری اسلامی ایران

تحت میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جلسات مقدماتی

کارگروه دوره چهل‌وهشتم

۲۱ تا ۲۵ می ۲۰۱۲ - شهر نیویورک، امریکا

فهرست

فهرست

مقدمه

نقص اساسی حقوق بشر دگرباشان جنسی

۱. منع تبعیض (بند ۲)

سوالهای پیشنهادی برای بررسی توسط دولت ایران

۲. حق تحصیل (بند ۱۳)

سوالهای پیشنهادی برای بررسی توسط دولت ایران

۳. حق داشتن زندگی فرهنگی

سوالهای پیشنهادی برای بررسی توسط دولت ایران

متن کامل سوالهای پیشنهادی برای بررسی توسط دولت ایران

مقدمه

متن حاضر، توسط کمیسیون حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا (IGLHRC) آماده شده است و به کارگروه جلسات مقدماتی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) تقدیم شده است تا در روند بررسی دومین گزارش دوره‌ای جمهوری اسلامی ایران، مورد بررسی قرار گیرد.

جمهوری اسلامی ایران، دولتی است که میثاق بین‌المللی ژنو در موضوع حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) را امضا کرده است و از سال ۱۹۷۵ میلادی تاکنون متعهد به اجرای بندهای این میثاق است. این گزارش متمرکز بر وضعیت دگرباشان جنسی ایران (لزبین‌ها، گی‌ها، دوجنس‌گراها و تراجنسیتی‌ها) است.

نقص اساسی حقوق بشر دگرباشان جنسی ایران

۱. رهایی از تبعیض (بند ۲)

بند ۲، پاراگراف ۲ از میثاق جهانی از دولت‌ها می‌خواهد تا ضامن باشند تمامی حقوق افراد در عمل اجرا خواهند شد، بدون آنکه تبعیضی بر پایه نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، سیاست یا دیگر نظرات افراد، ملیت یا طبقه اجتماعی آنان، ثروت آنان، مکان تولد آنان یا «وضعیت‌های دیگر» افراد، به وجود آید. در تفسیر عمومی اخیر، کمیته تصویب کرده است که،

«دیگر وضعیت‌ها»... شامل بر گرایش جنسی افراد نیز می‌شود.^۱ دولت‌های حاضر در میثاق باید تضمین دهند که گرایش جنسی افراد، مانعی نخواهد بود تا طبق قوانین بین‌المللی، آن‌ها بتوانند حقوق مدنی خود را داشته باشند... علاوه بر این، هویت جنسی افراد نیز در میان زمینه‌های اصلی تبعیض قرار گرفته است؛ به عنوان مثال، افرادی که تراجنسیتی، دوجنس‌گرا یا دوجنسی هستند، اغلب دچار نقض‌های اساسی در زمینه حقوق بشر خود می‌شوند، مانند آزار در مدارس یا در محل کار خود.^۲

در جدیدترین جمع‌بندی‌های نهایی کمیته، این مساله بیان شد که تبعیضی گسترده بر پایه گرایش جنسی افراد صورت می‌گیرد و در نتیجه‌اش، قوانینی ضد تبعیض به‌شکلی گسترده باید در تمامی کشورها تنظیم و اجرا شوند.^۳ همچنین، کمیته مشخصاً خواستار اطلاعاتی کامل در موضوع نگرانی‌ها نسبت به تبعیض علیه دگرباشان جنسی شد، مخصوصاً در زمینه‌های مرتبط به اشتغال، تبعیض و تحصیل.^۴ جمهوری اسلامی ایران مسئول این امر است که تمامی دگرباشان جنسی این کشور نیز بتوانند از حقوق بشری خود به‌شکلی کامل سود ببرند.

دولت جمهوری اسلامی ایران، به‌شکلی نظام‌مند حقوق این دسته از افراد را نقض می‌کند و به بخش‌های غیر دولتی اجازه می‌دهد تا به نقض حقوق بشر دگرباشان جنسی یا افراد موافق با حضور دگرباشان جنسی در سطح جامعه پردازند.

^۱ مراجعه کنید به تفسیر عمومی CESCR شماره‌های ۱۴ و ۱۵.

^۲ مراجعه کنید به تفسیر عمومی شماره ۲۰، عدم تبعیض در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (بند ۲، پاراگراف ۲ از میثاق جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، E/C.12/GC/20 دوم جولایی ۲۰۰۹ میلادی

^۳ جمع‌بندی‌های نهایی برای کشور اوروگوئه، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، E/C.12/URY/Co/3-4، اول دسامبر ۲۰۱۰ میلادی

^۴ جمع‌بندی‌های نهایی برای کشور روسیه، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، E/C.12/RUS/CO/5 بیست می ۲۰۱۱ میلادی

سازمان‌های بین‌المللی اسناد مربوط به این‌چنین نقض‌ها را گسترده ثبت کرده‌اند و مجموعه‌ای از آژانس‌های همراه با سازمان ملل متحد، نهادهای قانون‌ساز بین‌المللی و دیگر صاحب‌منصبان جامعه جهانی، نگرانی‌های گسترده خود نسبت به سطح تبعیض و خشونت بر پایه هویت یا گرایش جنسی افراد در ایران را بیان کرده‌اند.

در ماه مارچ ۲۰۱۲ در نوزدهمین جلسه دوره‌ای شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در شهر ژنو، دکتر احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، تأکیدی ویژه بر سوءرفتار، بدنام‌سازی و خشونت علیه دگرباشان جنسی کشور داشت و نگرانی خود نسبت به این موضوع را بیان کرد. او گفت که «اعضای جامعه لزبین، گی، دوجنس‌گرا و تراجنسی ایرانی با آزار، تنبیه و مجازات‌هایی خشن روبرو هستند و اصول پایه‌ای حقوق بشر، شامل بر حق آنان برای آزاد زندگی کردن، برایشان محقق نمی‌شود».^۵

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد (HRC) اخیراً در صدوسومین جلسه خود در ژنو، تصمیم گرفت سابقه حقوق بشر کشور ایران را ثبت و بررسی کند. این کمیته در جمع‌بندی‌های نهایی خود گفت که دگرباشان جنسی ایران با «آزار، تنبیه و مجازات‌های خشن علیه خود و حتی حکم مرگ توسط دادگاه‌ها» روبرو هستند. در ارتباطی مستقیم با گزارش ICESCR، کمیته اشاره می‌کند که شواهدی مستند موجود است که این افراد در ایران به‌شکلی گسترده و روزمره با تبعیض به‌خاطر گرایش جنسی خود روبرو هستند، مخصوصاً وقتی که سعی می‌کنند به خدمات اساسی زندگی خود شامل بر «اشتغال، مسکن، تحصیل و استفاده از امکانات سلامت و بهداشت» دست پیدا کنند.^۶

اعضای کمیته از دولت ایران خواستند تا «تمامی قوانینی را که زمینه‌ای برای چنین تبعیض‌ها، تنبیه‌ها و مجازات‌ها علیه گرایش یا هویت جنسی افراد فراهم می‌کنند یا نتیجه‌شان چنین مواردی می‌شود، لغو یا اصلاح کند».^۷ کمیته همچنین توصیه کرده است تا دولت ایران قدم‌هایی بردارد به منظور «محو و منع تبعیض بر پایه گرایش جنسی در جامعه، طوری که تمام جنبه‌های حقوق افراد در زمینه شغل، مسکن، تحصیل و استفاده از امکانات سلامت و بهداشت رعایت شود و دولت

^۵ گزارش مکتوب گزارشگر ویژه سازمان ملل در بررسی وضعیت حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، ۶ مارچ ۲۰۱۲ میلادی، A/HRC/19/66. نسخه آنلاین متن در آدرس:

http://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/RegularSession/Session19/A-HRC-19-66_en.pdf

^۶ جمع‌بندی‌های نهایی برای ایران، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، OCPH/C/IRN/CO/3 در جلسات دهم تا نوزدهم نوامبر ۲۰۱۱

^۷ زیرنویس پیشین در جلسه دهم نوامبر

تضمین دهد که افراد با گرایش و هویت‌های جنسی گوناگون خود، در مقابل خشونت و حذف اجتماعی در کشور مراقبت و محافظت می‌شوند.^۸»

در نوامبر ۲۰۰۸ میلادی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) در گزارش خود با عنوان «نکات راهنما در موضوع درخواست‌های پناهندگی بر پایه گرایش یا هویت جنسی افراد»^۹، بارها متذکر شده است که همجنس‌گرایی، اتهامی جزایی در کشور ایران است.^{۱۰} مشابه همین، در جزوه منتشر شده در سال ۲۰۰۹ میلادی با عنوان «فرار به خاطر عشق: پناه‌جوها و گرایش جنسی در اسکاندیناوی»^{۱۱}، کمیساریای عالی پناهندگان بر وضع وخیم دگرباشان جنسی ایران بر پایه فعالیت‌های مرتبط به همجنس‌گرایی خود که می‌تواند «با حکم مرگ هم تنبیه شود»، تاکید می‌کند.^{۱۲}

سوالات پیشنهادی برای ارائه به دولت ایران و بررسی توسط این دولت

۱. آیا افراد در جامعه ایران صرفاً به خاطر گرایش یا هویت جنسی خودشان هدف تبعیض و خشونت قرار می‌گیرند؟ اگر این چنین است، دولت ایران چه گام‌هایی برداشته است تا پاسدار حقوق دگرباشان جنسی ایرانی باشد؟
۲. به شکلی ویژه و مشخص، چه برنامه‌هایی از طرف دولت ایران آماده و اجرا شده‌اند تا تضمین دهند دگرباشان جنسی ایرانی می‌توانند امکانات کافی در زمینه‌های شغل، مسکن، تحصیل و بهداشت و سلامت داشته باشند؟

^۸ زیرنویس پیشین در جلسه دهم نوامبر
^۹ برای دسترسی آنلاین مراجعه کنید به آدرس:

http://justice.gov/eoir/vll/benchbook/UNHCR_Guidelines_Sexual_Orientation.pdf

^{۱۰} این گزارش پرونده پناهجویی هشت نفر از دگرباشان جنسی ایران را بررسی کرده بود
^{۱۱} برای دسترسی آنلاین مراجعه کنید به آدرس:

<http://www.unhcr.org/4b18e2f19/html>

^{۱۲} زیرنویس پیشین صفحه ۸ گزارش

۲. حق تحصیل (بند ۱۲)

براساس بند ۱۲، پاراگراف ۱ از میثاق جهانی، دولت‌ها باید نظامی آموزشی تاسیس کنند که در آن اصول زندگی در «جامعه‌ای آزاد» تدریس شود، «درک افراد ارتقاء یابد، صبوری و دوستی بین تمامی ملیت‌ها و نژادها، تمامی گروه‌های قومی و مذهبی آموزش داده شود» و علاوه بر این، «فعالیت‌های سازمان ملل متحد برای حفظ صلح در جهان» در آن برنامه، نشان داده شوند.

دولت ایران برنامه تحصیلی تنظیم کرده است که به‌شکلی گسترده اطلاعاتی اشتباه درباره دگرباشان جنسی آموزش می‌دهد و به‌شکلی گسترده تنفر بر آنان را تبلیغ می‌کند. این امر با رد روابط همجنس‌گرایانه صورت می‌گیرد و در این برنامه تحصیلی، دگرباشان جنسی به‌شکل افرادی با کمبودهایی در شخصیت اخلاقی و وجدانی خود، معرفی می‌شوند.

در ایران، وزارت آموزش و پرورش کتاب‌های درسی را آماده می‌سازد و از تمامی کودکان بین هشت تا نه سال در تمامی مدارس، می‌خواهد در این کتاب‌ها مسائل مرتبط به ازدواج را بیاموزند.^{۱۳} در صفحه ۲۱۱ این کتاب درسی، وزارت آموزش و پرورش نوشته است ازدواج صرفاً بین یک مرد و یک زن قابل قبول است و این تنها راه مقبول، برای داشتن رابطه است و تنها هدف افراد برای حضور در یک رابطه: الف) ارضای نیازهای جنسی آنان ب) رسیدن به آرامش روانی (از طریق پیوند یافتن با همسر خویش) و پ) داشتن و رشد فرزندان است. در صفحه ۲۲۱ به کودکان هشدار داده می‌شود از روابطی که خارج از مقوله ازدواج رخ می‌دهند، پرهیز داشته باشند زیرا چنین روابطی نتیجه‌شان «لذات گناه‌آلوده است که به تدریج ذهن‌شان را افسرده خواهد ساخت و به فروپاشی معنوی آنان منتهی خواهد گشت».

وزارت آموزش و پرورش دولت ایران برای کودکان بین شش تا هفت سال، کتاب تعلیمات دینی را معین کرده است که ایده «نظارت عمومی» بر جامعه را به آنان معرفی می‌کند و تعریف آن مسئولیت تمامی افراد جامعه بر منع دیگران بر شرکت در اعمال آلوده به گناه است.^{۱۴} در صفحات ۱۵۳ تا ۱۶۸ کتاب، وزارت آموزش و

^{۱۳} برای دسترسی آنلاین مراجعه کنید به:

<http://www.roshd.ir/ebook/Motevaseteh/Sevom-e-Dabirestan/Din-o-Zendegi%203%20-%20C251.pdf>

^{۱۴} برای دسترسی آنلاین مراجعه کنید به:

<http://www.roshd.ir/ebook/Motevaseteh/Dovom-e-Dabirestan/Din-o-Zendegi%202%20-%20C222.pdf>

پرورش دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا اعمالی مشخص علیه «فسق» دیگران انجام دهند و یک استراتژی سه مرحله‌ای به آنان پیشنهاد می‌کند. ابتدا، به دانش‌آموزان می‌گویند کسی را که باور دارند دچار «گناه» شده است منزوی کنند. دوم، آنان تشویق به رودرویی با «گناه‌کار» می‌شوند تا از او بخواهند گناه خود را کنار بگذارد. عاقبت، اگر دانش‌آموزان نتوانستند به خواسته خود برسند، از آنها می‌خواهند از زور استفاده کنند، البته استفاده از زور باید در چهارچوب قوانین اسلام باشد.

لحن، محتوا و ترکیب کتاب‌های درسی مشکلات فراوانی ایجاد می‌کنند و به شکلی گسترده، خطر خشونت علیه نوجوانان و جوانان دگرباش جنسی ایرانی را افزایش می‌دهد. دانش‌آموزان هم‌اکنون در فضایی با آلودگی بالا به همجنس‌گراستیزی تحصیل می‌کنند که در آن گونه‌های مختلف گرایش جنسی، به شکلی مشخص گونه‌هایی فجیع از «گناه» و «سقوط معنوی» معرفی شده‌اند. بیرون از کلاس‌های درس، رهبران کشور و رسانه‌های اصلی کشور همجنس‌گرایی را تهدیدی علیه جامعه معرفی می‌کنند و از تمامی افراد جامعه می‌خواهند متعهد به محو و ریشه‌کن‌سازی این موضوع از جامعه باشند. این فرهنگ فراگیر همجنس‌گراستیزی، مخصوصاً در بافت مدارس، به این معناست که حتی بدون وجود این‌گونه کتاب‌های درسی، دانش‌آموزان ایرانی در مقابل بدنام‌سازی، تبعیض و خشونت دیگران، به شدت آسیب‌پذیر خواهند بود. با این حال، تاثیر این گونه کتاب‌های درسی بر دانش‌آموزان ایرانی، آنان را تشویق گسترده می‌کند تا از سنین اولیه زندگی، از زور علیه دگرباشان جنسی ایرانی استفاده کنند.

علاوه بر این، در برنامه آموزشی مدارس، وزارت آموزش و پرورش شرایط حضور تبعیضی آلوده به همجنس‌گراستیزی و خشونت را به شکل‌هایی گوناگون و با ابزارهایی در دسترس، امکان‌پذیر ساخته است. مشخص‌تر از همه، این امر را می‌توان در وبسایت رسمی شبکه ملی مدارس ایران دید. در یکی از پست‌های این وبسایت، مدیران سایت خواسته‌اند که به نابودی سدوم و عماره بروید که دوباره قد علم کرده‌اند، چرا که افرادی چون ساکنین این شهرها به همجنس‌بازی مشغول شده‌اند. باید مراقب باشیم، چرا که سرنوشتی شبیه ساکنین این شهرها بر آنان خواهد بود که «قوانین خدا را نقض کنند و مرتکب گناه می‌شوند»^{۱۵}. وبسایت وزارت آموزش و پرورش در استان خراسان شمالی^{۱۶}، داستان شهید

^{۱۵} برابر زیرنویس پیشین

^{۱۶} برای دسترسی آنلاین مراجعه کنید به:

شیعه را باز می‌گوید؛ امام هادی که در قرن دهم میلادی حکم مرگ علیه محقق مسلمانی جاری کرد که روابط همجنس‌گرایانه را مجاز دانسته بود^{۱۷}.

سوالهای پیشنهادی برای ارائه به دولت ایران و بررسی توسط این دولت:

۱. آیا برنامه رسمی تحصیلی دولت ایران مروج تبعیض علیه همجنس‌گرایی است؟ آیا چنین ترویجی برابر آزاد و پویای تحصیلی است که بند ۱۳ میثاق بین‌المللی خواستار آن شده است؟
۲. آیا دولت ایران همجنس‌گرایی را یک «گناه» در نظر می‌گیرد که دانش‌آموزان باید در برنامه «نظارت عمومی جامعه» علیه دیگر دانش‌آموزان، برابر آن از زور استفاده کنند؟

^{۱۷} برابر زیرنویس پیشین

۳. حق داشتن زندگی فرهنگی (بند ۱۵)

بند ۱۵، پاراگراف ۱ از میثاق بین‌المللی، حقوق هر فرد از جامعه را مشخص کرده است تا او بتواند دارای زندگی فرهنگی خود باشد و «از تمامی حفاظت‌های اخلاقی و مادی سود برد که متعلق به هر متن علمی، ادبی یا هنری باشد که خود، خالق و نویسنده آن است.» برابر و تحت این بند، دولت ایران مسئول است تا کمک کند هر فرد جامعه، از جمله دگرباشان جنسی، بتوانند دارای زندگی فرهنگی خود در داخل کشور باشند و حقوق مادی و سودهای معنوی افراد از آثار ادبی و هنری آن، محفوظ باقی بماند.

دولت ایران مکرراً حق دگرباشان جنسی، برابر با بند ۱۵ از میثاق بین‌المللی را نقض کرده است. دولت نظارتی گسترده بر وضعیت فرهنگی کشور برقرار کرده است و سانسور به شکل‌های مختلف خود، ذکر همجنس‌گرایی به هر شکلی را منع می‌کند، مگر اینکه برابر وضعیت سرزنش و سرکوب حکومتی باشد. در آگوست ۲۰۰۷، شورای نظارت بر مطبوعات (PAB)، روزنامه اصلاح‌طلب «شرق» را توقیف کرد، صرفاً چون مصاحبه‌ای با ساقی قهرمان، شاعر ایرانی مقیم کانادا که به‌خاطر فعالیت‌هایش در زمینه حقوق دگرباشان جنسی شهرت داشته است، منتشر کرده بود. هرچند خود مصاحبه کوچک‌ترین اشاره‌ای به گرایش یا هویت جنسی نداشت، شورای نظارت بر مطبوعات اعلام کرد صرف منتشر شدن نام این خانم، تشویق همجنس‌گرایی در جامعه است.^{۱۸}

بند ۹ قانون مطبوعات ایران معین کرده است ناشر باید مسئول نوشته‌های منتشر شده در رسانه خود باشد، تا نوشته‌ها «تهی از فساد اخلاقی» و «حامی قانون اساسی کشور» باشند.^{۱۹} در نتیجه هیچ رسانه‌ای متعلق به دگرباشان جنسی ایرانی نمی‌تواند درون کشور فعال باشد. در سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسئول آژانس دولتی سانسور، تایید کرد کتاب‌هایی که بحث گرایش جنسی چهره‌های مشهور فرهنگی در داخل کشور منتشر کنند، توقیف خواهند شد.^{۲۰} مشابه همین وضع، قوانین دولتی، آژانس‌های خبری را

^{۱۸} خیرگزاری حیات در ۶ آگوست ۲۰۰۷ نوشت، «بدنبال انتشار مصاحبه با شاعر لزبین، روزنامه شرق توقیف شد». برای دسترسی آنلاین مراجعه کنید به:

http://www.hayat.ir/?lang=fa&page=showbody_news&key=&row_id=8923&style=no

^{۱۹} بند ۹، قانون مطبوعات (قانون رسانه‌ها) مصوب ۱۳۶۴ هجری شمسی (مصوب ۱۹۸۶ میلادی و بازنگری شده در ۲۰۰۰ میلادی)

^{۲۰} خیرگزاری آفتاب، ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی، «معاون وزیر مثال‌هایی از کتاب‌های سانسور شده ارائه داد»، برای دسترسی آنلاین مراجعه کنید به آدرس:

<http://aftabnews.ir/vdcbssb&zrhhffp.uur.html>

محدود ساخته‌اند تا «امنیت اجتماعی» از طریق سخت‌گیری در برابر هرگونه تولیدی وجود داشته باشد که نشان‌گر «سقوط فرهنگی» باشد. این موارد شامل بر «نشانه‌های مرتبط به همجنس‌گرایی» نیز می‌شوند.^{۲۱}

در سال‌های اخیر، دولت ایران کمپینی همجنس‌گراستیز بر روی اینترنت ایجاد کرده است و وبسایت‌ها و وبلاگ‌های مرتبط به دگرباشان جنسی را فیلتر می‌کند. مقامات درگیر با ارتباطات در کشور، ارتباط ایرانیان به وبسایت‌هایی را ممنوع کرده‌اند که بیرون از کشور، به زبان فارسی موضوعات دگرباشان جنسی را بحث می‌کنند، بنابراین مانع دسترسی دگرباشان جنسی ایرانی به اطلاعات مورد نیاز خود شده‌اند.^{۲۲} از سال ۲۰۰۹ میلادی تاکنون، تعدادی از وبلاگ‌های دگرباشان جنسی ایرانی که از طریق شرکت‌های داخلی عرضه می‌شدند، از فضای اینترنت حذف شده‌اند. وقتی یک نفر سعی کند وارد یکی از این صفحه‌ها شود، با این نوشته روبه‌رو خواهد شد: «این صفحه بر طبق قانون جرایم رایانه‌ای قابل دسترسی نمی‌باشد»^{۲۳}.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران یک واحد آنلاین تاسیس کرده است که نام آن «دفتر جرایم رایانه‌ای»^{۲۴} است و در آن جرم‌های رایانه‌ای از طریق الگوهای کاری مثل هک کردن صفحات اینترنتی، استراق سمع، نظارت بر جوامع آنلاین و حتی انتشار آنلاین سیاست‌هایشان، کار می‌کند.^{۲۵} در وبسایت رسمی این دفتر (www.gerdab.ir) مرتب مقالاتی علیه همجنس‌گرایی منتشر می‌کند و آنانی را که «قوانین کشور را نقض می‌کنند و مطالبی درباره همجنس‌گرایی منتشر می‌کنند»

^{۲۱} آژانس خبری فارسی، ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی، «ممنوعیت نوشته‌هایی که تصویرهایی غیراخلاقی در استان هرمزگان ارائه داده بودند»، برای دسترسی آنلاین مراجعه کنید به آدرس:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13900703001219>

^{۲۲} به عنوان مثال، دسترسی به وبسایت سازمان IRQO یا دسترسی به وبسایت محبوب دوست‌یابی دگرباشان جنسی با عنوان منجم (www.manjam.com) ممنوع شده است، در این میان وبلاگ‌های بسیاری متعلق به نویسندگان گوناگون ایرانی ممنوع شده‌اند و آن‌ها را وزارت ارتباطات ایران فیلتر کرده است. اگر بخواهید این صفحه‌ها را ببینید، با نوشته‌ای روبه‌رو می‌شود که به شما می‌گوید این صفحه به‌خاطر جرایمی که مرتکب شده است از اینترنت حذف یا سانسور شده است.
^{۲۳} برای خواندن نسخه آنلاین مراجعه کنید به:

<http://ma2tarafeha.blogfa.com/>

^{۲۴} بیانیه‌های رسمی دفتر مبارزه با جرایم رایانه‌ای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را می‌توان در وبسایت رسمی این دفتر دید:

www.gerdab.ir

^{۲۵} آقای سلوکی، از دفتر مبارزه با جرایم رایانه‌ای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به آژانس خبری ایرنا گفته است: «اشخاص، گروه‌ها و کشورهای مختلف نباید این تصور را داشته باشند که فضای مجازی و اینترنتی کشور بدون کنترل است تا بخواهند هر عملیات فرهنگی علیه فرهنگ و نظام مقدس جمهوری اسلامی را بر مرحله اجرا گذارند و برای کاربران محیط نا امنی را ایجاد کنند.» مراجعه کنید به «سپاه پاسداران به تمام براندازان در جنگ نرم علیه نظام جمهوری اسلامی، هشدار می‌دهد» منتشر شده در ۲۱ آپریل ۲۰۰۹ میلادی در آدرس:

<http://hamshahronline.ir/print-78583.aspx>

مرتباً تهدید می‌کند. چنین سوءرفتار از پیش برنامه‌ریزی شده مقامات، نقض جدی آزادی بیان و انتشار عقاید است.^{۲۶}

مقامات ایران دنبال روزنامه‌نگارانی هستند که به همراهی با افراد همجنس‌گرا یا طرفدار همجنس‌گرایی هستند متهم شده‌اند. میترا خلعت‌بری، پرونده مولودزاده را در رسانه‌ها منتشر ساخت (پسر هفده ساله‌ای که به اتهام تجاوز به یک پسر سیزده ساله اعدام شد) و توجه سازمان‌های جهانی را به این موضوع جلب کرد، او بعد از این موضوع تحت فشارهای فراوان از طرف سازمان‌های امنیتی ایران قرار گرفت. او شغل خود را در رسانه‌ها از دست داد و از دانشگاهش اخراج شد. میترا خلعت‌بری بعد از فشارهای فراوان ایران را در سال ۲۰۰۹ ترک کرد و در آلمان پناهندگی گرفت.^{۲۷}

روزنامه‌نگاری با نام سیامک قادری تحت فشار و اتهام‌های قانونی قرار گرفت چون با چهره‌های دگرباش جنسی مصاحبه کرده بود. آقای قادری کارمند سابق آژانس خبری رسمی دولت، ایرنا بود و هجده سال در این آژانس خبری کار کرده بود. او در آگوست ۲۰۱۰ بازداشت شد و به زندان اوین برده شد، در آنجا او را بارها شکنجه کرده بودند. در ژانویه ۲۰۱۱، شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران آقای قادری را به چهار سال زندان، شصت ضربه شلاق و جریمه مالی به‌خاطر «انتشار دروغ»، اجرای «اعمال مغایر مذهب» و دیگر اتهام‌ها شامل بر انتشار مصاحبه با چهره‌های دگرباش جنسی در وبلاگ خود محکوم کرد.^{۲۸} مصاحبه‌های آقای قادری بعد از آن منتشر شده بودند که رئیس‌جمهور ایران محمود احمدی‌نژاد در سخنرانی خود در دانشگاه کلمبیا ادعا کرد در ایران هیچ همجنس‌گرایی وجود ندارد.^{۲۹} در اکتبر ۲۰۱۱

^{۲۶} اخیراً، یک وب‌لاگ‌نویس مشهور دگرباش جنسی به سازمان ابرکو اطلاع داد که تهدیدهایی از طرف گردباد دریافت کرده است، گرداب نیروی تحقیقی دفتر مبارزه با جرایم رایانه‌ای است متعلق به سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران. در یکی از این پیغام‌ها آمده بود: «ارتش سایبری ایران آماده است تا افرادی را شناسایی کند و آثار آنان را محو کند و گروه‌های منحرف اجتماعی را ویران سازد. هر کسی که ورای این صفحات کار کند، شناسایی خواهد شد. ارتش سایبری جمهوری اسلامی ایران تمامی افرادی را شناسایی کرده است که آثار خود را در این وب‌لاگ‌ها یا صفحات منحرف منتشر می‌کنند. برخی از این افراد در استان کرمان و تهران و برخی در شهر تورنتو در کانادا مقیم هستند.» برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به «منع بشری: نقض حقوق لژیون‌ها، گی‌ها، دوجنس‌گراها و ترانجس‌های ایرانی»، صفحه ۱۳. برای دسترسی آنلاین مراجعه کنید به:

<http://ilga.org/ilga/static/uploads/files/2011/9/29/29014233.pdf>

^{۲۷} این اطلاعات بر اساس ایمیل‌هایی بین سازمان IGLHRC و خانم میترا خلعت‌بری در نوامبر و دسامبر ۲۰۰۷ میلادی و نوامبر ۲۰۰۹ نوشته شده است. فایل ارتباطی با میترا خلعت‌بری در سازمان IGLHRC موجود است.

^{۲۸} برای خواندن مصاحبه با همسر سیامک قادری در مورد حجم زندان آقای قادری مراجعه کنید به:

بب-ا-خ‌خ‌ان‌ن‌و‌ا‌دده-ه‌ا‌ی‌ی-س‌س‌ی‌ی‌ا‌م‌م‌ک‌ک-ق‌ق‌ا‌د‌د‌ر‌ر‌ی‌ی-و‌و-// <http://youthforhumanrightssiran.wordpress.com/>

مهم‌ص‌ا‌ح‌ح‌ب‌ب‌ه

^{۲۹} دولت ایران وب‌لاگ رسمی آقای قادری را از فضای اینترنت حذف کرده است، وبلاگ «ایرنا ما» توسط یک شرکت ایرانی در اینترنت منتشر می‌شد. آدرس آن:

<http://www.ourirna11.blogspot.com/>

میلادی، دادگاه تجدیدنظر تهران برخی از اتهامها را کنار گذاشت اما چهار سال زندان برای آقای قادری اجرایی شد.^{۳۰}

سوالهای پیشنهادی برای ارائه به دولت ایران و بررسی توسط این دولت:

۱. آیا دولت ایران انتشار مکتوب یا آنلاین مطالب، مانند انتشار اخبار در آژانس‌های خبری و وبلاگ‌ها را منع می‌کند که موضوع گرایش یا هویت جنسی را بحث کنند؟ اگر چنین است، چگونه چنین رفتاری در منع حقوق دگرباشان جنسی برای داشتن زندگی فرهنگی در کشور خود و سود بردن از حقوق مادی و معنوی آثار خود، می‌تواند وجود داشته باشد؟
۲. چه اقداماتی توسط دولت ایران برداشته شده است تا تضمین کند آنانی که آثاری به کشور خود عرضه می‌کنند، شامل بر رسانه‌های مکتوب یا رسانه‌های آنلاین و موضوع گرایش یا هویت جنسی را کار می‌کنند، تحت سوءرفتار، بازداشت یا مجرمیت مقامات حکومتی قرار نمی‌گیرند؟

^{۳۰} «سیامک قادری، درخواست مقامات برای طلب عفو را نپذیرفت» برای دسترسی آنلاین مراجعه کنید به آدرس:

متن کامل سوالهای پیشنهادی برای ارائه به دولت ایران و بررسی توسط این دولت:

۱. آیا افراد در جامعه ایران صرفاً به خاطر گرایش یا هویت جنسی خودشان هدف تبعیض و خشونت قرار می‌گیرند؟ اگر این چنین است، دولت ایران چه گام‌هایی برداشته است تا حافظ و ضامن حقوق دگرباشان جنسی ایرانی باشد؟
۲. به‌شکلی ویژه و مشخص، چه برنامه‌هایی از طرف دولت ایران آماده و اجرا شده‌اند تا تضمین دهند دگرباشان جنسی ایرانی می‌توانند امکانات کافی در زمینه‌های شغل، مسکن، تحصیل و بهداشت و سلامت داشته باشند؟
۳. آیا برنامه رسمی تحصیلی دولت ایران مروج تبعیض علیه همجنس‌گرایی است؟ آیا چنین ترویجی برابر نظام آزاد و شکلیا تحصیلی است که بند ۱۳ میثاق جهانی خواستار آن شده است؟
۴. آیا دولت ایران همجنس‌گرایی را «گناه» در نظر می‌گیرد که دانش‌آموزان باید در برنامه «نظارت عمومی جامعه» علیه دیگر دانش‌آموزان، برابر آن از زور استفاده کنند؟
۵. آیا دولت ایران انتشار مکتوب یا آنلاین مطالب، مانند انتشار اخبار در آژانس‌های خبری و وبلاگ‌ها را منع می‌کند که موضوع گرایش یا هویت جنسی را بحث کنند؟ اگر چنین است، چگونه چنین رفتاری در منع حقوق دگرباشان جنسی برای داشتن زندگی فرهنگی در کشور خود و سود بردن از حقوق مادی و معنوی آثار خود، می‌تواند وجود داشته باشد؟
۶. چه اقداماتی توسط دولت ایران برداشته شده است تا تضمین کند آنانی که آثاری به کشور خود عرضه می‌کنند، شامل بر رسانه‌های مکتوب یا رسانه‌های آنلاین و موضوع گرایش یا هویت جنسی را کار می‌کنند، تحت سوءرفتار، بازداشت یا مجرمیت مقامات حکومتی قرار نمی‌گیرند؟